

# مدعی ناعق

حضرت بهاء الله، حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



لوح رقم (117) امر و خلق - جلد 3

## ۱۱۷ - مدعی ناعق

و نیز در کتاب اقدس است قوله جلّ و عزّ: و الَّذِي يَتَكَلَّمُ بِغَيْرِ مَا نَزَّلَ فِي الْوَحْيِ اِنَّهُ لَيْسَ مِنِّي اِيَّاكُمْ اَنْ تَتَّبِعُوا  
كَلَّ مَدْعِ اِثْمٍ .

و در لوحی است قوله الاعلی: هر نفسی الیوم مدعی امر شود و یا ادعای باطن نماید او شیطان فئه حقه بوده  
چنانچه بعضی نفوس در ظاهر بکلمه ناطق اند و در باطن بکلمه اخری مخالف کلمه ظاهر چنین نفسی منافق و  
کذاب بوده و خواهد بود اهل بهاء نفسی هستند که هر چه را مخالف ظاهر امر الله بینند او را باطل دانند  
باطن و باطن طائف حول این ظاهر است طوبی لنفس و جدت عرف بیان و کانت من الراشخین .

و در لوحی دیگر قوله الاعلی: نفوس ملحدہ بسیار بوده و خواهند بود به خدا پناه برید از شر آن نفوس ، هر  
نفسی دعوی امری نماید او کاذب و مفتری لدی العرش مذکور است .

و از حضرت عبدالبهاء در خطابی است قوله العزیز: ای ناطق به ثنای حق و بلبل گویای حق علیک بهاء الله و  
ثنائه در جمیع الواح الهی قیام ناعقین و ظهور شیاطین مذکور و مشهور هر نفسی از برای خویش وجودی بیند و  
خیال تمیز و تفرّدی ، آن آثار نفاق است و علامت نفاق باید شئون خود را فراموش کرد و در مقام فنای  
محض آمد والا ملاحظه وجود عاقبت سبب شرک گردد و بادی کفر محض خضوع و خشوع و محو و فنا و  
اطاعت و انقیاد محبوب و مقبول و البهاء علیک .



ORIGINAL

و نیز از حضرت بهاء الله در کتاب اقدس است قوله جلّ و عزّ: انّ الذی یاوّل ما نزل من سماء الوحی و یخرجه عن الظاهر انه من حرف کلمة الله العلیا و کان من الاخسرین فی کتاب مبین .

و در کتاب ایقان است قوله الاعلی: و این معلوم است که تأویل کلمات حمّات ازلیّه را جز هیاکل ازلیّه ادراک ننماید و نعمات و رقاء معنویّه را جز سامعه اهل بقا نشود هرگز قبلی ظلم از شراب سبطی عدل نصیب ندارد و فرعون کفر از بیضای موسی اطلاع نیابد چنانچه میفرماید . و ما یعلم تأویله الا الله و الراسخون فی العلم .

و در اثری به امضاء خادم است . و اینکه در فقره تأویل که در کتاب اقدس از قلم اعلی نازل شده سؤال نمودید هذا ما نطق به لسان العظمة مقصود از تأویل آنکه خود را از ظاهر محروم نمایند و از مقصود محتجب مانند مثلاً اگر از سماء مشیت فاعسلوا و جوهکم نازل شود تأویل نمایند که مقصود از غسل وجه باطن است و باید به آب عرفان او را غسل داد و طاهر نمود و امثال آن ، بسا میشود نفس باین تأویلات و جهش با کمال ذفر و سخ آوده میماند و به خیال خود به اصل امر الله عمل نموده و حال آنکه در این مقام واضح و معلوم است که شستن رو است به آب ظاهر بعضی کلمات الهی را میتوان تأویل نمود یعنی تأویلاتی که سبب و علت ظنون و اوهم نشود ... بعضی از آن نفوس که خود را در اویش مینامند جمیع احکام و اوامر الهی را تأویل نموده اند اگر گفته شود صلوة از احکام محکم الهیه است میگویند بمعنی دعا است و ما در حین تولد بدعا آمده ایم صلوة حقیقی را عمل نموده ایم ... آیاتی که در اوامر و نواهی الهی است مثل عبادات و دیات و جنایات و امثال آن مقصود عمل بظاهر آیات بوده و خواهد بود و لکن آیات الهی که در ذکر قیامت و ساعت و امثال آن چه در کتب قبل و چه در فرقان نازل شده اکثر مأول است و لا یعلم تأویله الا الله .

و نیز فرمودند: و اما در باره تأویل و ادعاء چنانچه مرقوم لا یعلم تأویل بیان الله الا نفسه المهيمنة على الاشياء و الذین فازوا بانوار المعانی و البیان من عنده اولئك یعلمون علی قدرهم و مقدارهم کذالك حکم الرحمن و لکن الناس اکثرهم لا یفقهون این قدر معلوم بوده که آنچه مقصود الهی است در الواح ظاهراً واضحاً معلوم و واضح است و احدی به تأویل کلمات الهیه مأمور نبوده و نخواهد بود نشهد انّ المأولین فی هذا الیوم هم المتوهّمون از خدا میطلبم که به جبل تصریح متمسک شویم و در سبیل رضایش با استقامت کبری سالک گردیم و اما در باره ادعاء درین مقامات بیانات شتی از قلم مشیت الهیه نازل و لکن این عبد یکی از بیانات رحمن را که به لسان پارسی نازل شده ذکر مینماید تا از برای احدی دیگر مجال تأویل و ادعاء نماند و بما هو التصریح عامل شود قوله عزّ اجلاله متوهّمین بسیارند و هر یک بوهمی مبتلا شده اند ناس را از موهوم منع نمودیم که به سلطان مشهود تمسک جویند بعضی به اوهمات نفسانیّه خود تمسک جسته و تشبث نموده اند در تیه وهم سیرند و خود را از اهل مکاشفه دانسته اند در مفازة غفلت ماشی اند و خود را از فارسین میادین شهود شمرده اند لعمری انهم من المتوهّمین انهم من الهائمین انهم من الغافلین انهم من الصّاعرین و آنچه را که صبیان ادراک نموده اند هنوز بآن نرسیده اند چه که هر صبیّ عالم است بر اینکه اگر هر روز ظهوری ظاهر شود اوامر الهیه و احکام ربانیّه معطل و معوق و

بی نفاذ خواهد ماند بگو ای قوم اگر هوی شما را از مشرق هدی منع نموده اقلّاً از انصاف تجاوز ننمائید اگر نفسی فی الجملة منصف باشد هرگز بکلمه که باعث تفریق ناس و احباب شود تکلم ننمائید بلکه بتمام همت و قدرت در ارتفاع اسم اعظم سعی بلیغ و جهد منیع مبذول میدارد لعمری هم راقِدون لو تراهم بعین الله هم من المیتین .

و قوله الاعلی : کلمه الهیه را تأویل نکنید و از ظاهر آن محبوب نمانید چه که احدی بر تأویل مطلع نه الا الله و نفوسی که از ظاهر کلمات غافل اند و مدعی عرفان معانی باطنیه قسم به اسم اعظم که آن نفوس کاذب بوده و خواهند بود طوبی از برای نفوسی که ظاهر را عمل و باطن را آمل اند .

و از حضرت عبدالبهاء خطاب به قسیس الفرد هیلز قوله العزیز : و اما نصوصی که از کتب مقدسه اخراج نموده بودید آنچه بعلم صحیح و عقل و حکمت الهیه مطابق آن نصوص بحسب ظواهر است و اما نصوص دیگر کلّ تأویل دارد تأویل مطابق عقل و علم و حکمت است .